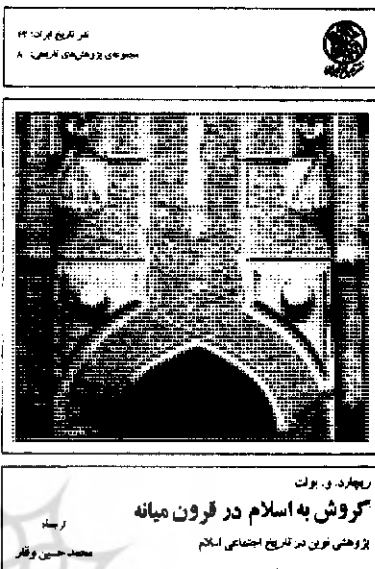


روش های آماری ریچارد بولت در کتاب «گروش به اسلام در قرون میانه»

محمد حاجی تقی



۱۴۴

سال چهارم - شماره ۱۲ و ۱۳

پروفسور «ریچارد بولت» متخصص تاریخ خاور میانه، جامعه ها و نهادهای کشورهای اسلامی و تاریخ تکنولوژی در سال ۱۹۴۰ میلادی در آمریکا متولد شد. تحصیلات دانشگاهی خود را تا اخذ درجه دکترا در رشته تاریخ در دانشگاه «هاروارد» ادامه داد. پس از فراغت از تحصیل مدتی در دانشگاه «هاروارد» و سپس در دانشگاه «برکلی» به تدریس و تحقیق پرداخت. بولت که در حال حاضر در دانشگاه «کلمبیا» به کار تدریس اشتغال دارد، از اساتید برجسته و صاحب نظر تاریخ خاورمیانه محسوب می گردد. او ریاست انستیتوی بررسی مسائل خاورمیانه را نیز در دانشگاه کلمبیا به عهده دارد.

برای بولت تاریخ خاورمیانه تنها یک رشته تحصیلی نیست بلکه موجودی است که به آن و تحقیق و تفحص در مورد آن عشق می ورزد. ثمره این مطالعات مقاله های مفصلی است که تا کنون در مجله های معتبر دنیا به چاپ رسیده است؛ به علاوه چند اثر تحقیقی ارزشمند نیز راجع به تاریخ خاورمیانه به رشته تحریر درآورده که از آن جمله می توان دو کتاب بزرگان نیشابور و گروش به

اسلام در قرون میانه را که به خصوص به تاریخ ایران مربوط می شود نام برد.

این مقاله در صدد بررسی و تبیین روش های تحقیقی بولت در کتاب گروهش به اسلام در قرون میانه است که ترجمه آن را آقای محمدحسین وقار به جامعه علمی ارائه نموده است. بولت در این کتاب با نگاهی نو و روشی بدیع و متفاوت از دیگر تحقیقات تاریخی، به کند و کاو پیرامون موضوع گروهش به اسلام در مناطق گوناگون اسلامی به ویژه ایران پرداخته است. در واقع فقدان اطلاعات تاریخی در موضوع گروهش، بولت را به تلاش در یافتن روشی نو هدایت کرده است. این روش، استفاده از کتب تراجم و تجزیه و تحلیل تغییرات زمانی الگوهای نامگذاری اسلامی در این تراجم - به عنوان منبع اصلی تحقیق و تحلیل این منابع - با تکنیک ها و روش های آماری و علوم اجتماعی مبتنی بر فکت های تاریخی است. روشی ابتکاری و نو که افتخار پیشگامی در آن نصیب بولت می باشد.

خود بولت در معرفی کار خود می نویسد: «این کتاب را بهتر است مقاله بنامیم؛ زیرا تلاشی است مقدماتی و تجربی جهت تهیه و تدوین یک روش تصویری یکپارچه برای بررسی موضوع گروهش و نه بیان تاریخ اجتماعی اسلام».

در ادامه می نویسد: «بسیاری از نتیجه گیری های حاصل از این فرضیه ها، مانند این که گفته شود که یک رابطه علی میان گروهش بیشتر مردم یک منطقه به اسلام و انحلال دولت مرکزی اسلامی در آن منطقه وجود دارد و یا این که در برخی مناطق برخورد های فرقه ای برخورد هایی است غیر قابل اجتناب که میان اخلاف نخستین گروندگان به اسلام و اخلاف کسانی که بعدها اسلام را پذیرفته اند واقع می شود، نیازمند مدارک بیشتری است تا به مرحله اثبات برسد».

بولت در واقع بر این باور است که در این کتاب درستی استدلال و روش مهم است نه نظریات و یا حتی درستی و غلطی نمودارها. بولت بر این باور است که میان گروهش به اسلام و تکوین چیزی که می توان آن را جامعه اسلامی نامید، رابطه ای مستقیم و اساسی وجود دارد. این نظریه پایه تحلیل و تبیین نمودارهای آماری او را شکل می دهد.

مزایای این کتاب از نظر بولت بدین قرار است:

۱. مطالعه و تحقیق در پدیده گروهش جمعی مذهبی برای اولین بار.
۲. تشویق نویسندگان خاورمیانه به تجربه روش های کمی.



نقطه آغاز مطالعه گروهش به اسلام

بولت نقطه آغاز مطالعه گروهش به اسلام را ترسیم نمایشی کمی از وجود گونه گونی های اهمیت منطقه ای در سراسر یک مقطع زمانی از تاریخ اسلام (۱۰۰ تا ۱۰۰۰ هـ. ق) می داند.

بولت برای ترسیم نمودار نمایش کمی از یک کتاب معتبر تراجم عمومی به نام شذرات الذهب فی اخبار من ذهب از ابن عماد متوفی سال ۱۶۸۷ م استفاده می کند که شامل ۶۱۱۳ شرح حال مربوط به سال های ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ هـ. ق است. بولت بر این باور است که توزیع شرح احوال مسلمانان مشهور در یک تذکره معتبر و عمومی می تواند بازتابنده روند کلی تاریخ اسلام باشد. این نظریه بر این فرض استوار است که اگر در هر پنج هزار نفر یک ذهن قادر باشد در زمینه مذهبی به درجات عالی نایل شود؛ منطقاً می توان فرض کرد که در منطقه ای با یک میلیون مسلمان، دویست عالم وجود دارد. پس نسبت اشارات به یک منطقه بر مبنای دوره های زمانی می تواند این گونه گونی را نشان دهد.

عملیاتی که بولت برای ترسیم نمودار طی می کند از این قرار است:

۱. مطابق با سنت نامگذاری عربی اسلامی، نسبت اشخاص به محل تولد بخشی از نام او را تشکیل می دهد.

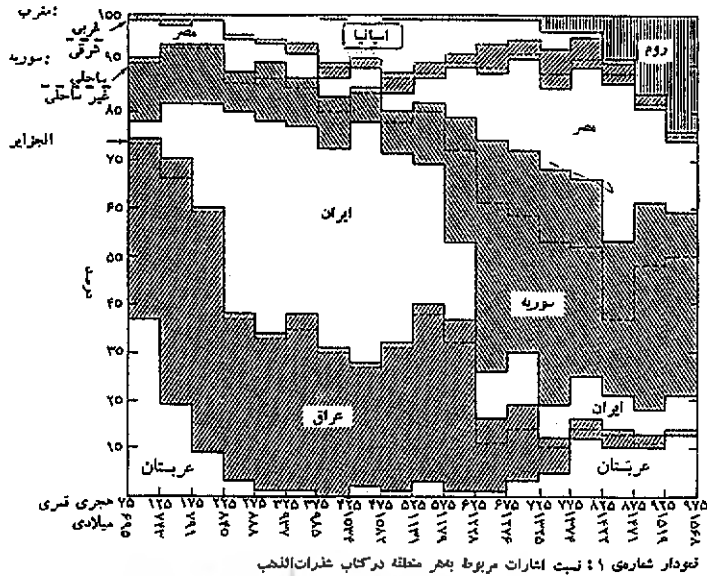
هم چون البغدادی، النیشابوری یا الاصبهانی؛ مرحله اول تفکیک نام ها بر اساس انتسابشان به مناطق مختلف است. بر این اساس نام ها به هشت منطقه اصلی جغرافیایی تفکیک می شوند این مناطق عبارتند از:

عربستان، عراق، ایران، سوریه (ساحلی و غیر ساحلی)، مصر، مغرب (شرقی و غربی)، اندلس، روم.

۲. در مرحله دوم، نام های هر یک از مناطق هشتگانه در گروه های ۲۵ ساله به تفکیک و براساس تاریخ های وفات (از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ هـ. ق) گردآوری شده و سپس به منظور سهولت استفاده از نمودارها دوره های ۲۵ ساله به ۵۰ ساله تبدیل شده است.

۳. در مرحله سوم و نهایی تاریخ قطعی مرگ را به تاریخ تقریبی میان سالی تبدیل می کنیم. تنظیم تاریخ ها بر این اساس از ۱۰۰ تا ۱۵۰ هـ. ق به ۷۵ تا ۱۲۵ هـ. ق تبدیل می شود.





تفسیر نمودار به این گونه است که یک دوره پنجاه ساله (مثلاً از ۷۵ تا ۱۲۵ هـ. ق) یک ستون آماری را تشکیل می‌دهد. مجموعه این ستون صد درصد اشارات در پنجاه ساله مذکور را در بر دارد و به میزان اشاره به هر منطقه ای، آن منطقه سهمی از صد درصد را به خود اختصاص می‌دهد. برای عدم خلط مناطق با یکدیگر، بولت از هاشورهای کم رنگ و پررنگ استفاده می‌کند. برای وضوح بیشتر مثالی را ذکر می‌کنیم. ستون سال‌های ۷۵ تا ۱۲۵:

- | | | |
|--------------------|--------------|------------------------|
| ۱. عربستان: ۳۷% | ۲. عراق: ۳۹% | ۳. سوریه غیر ساحلی: ۱% |
| ۴. سوریه ساحلی: ۱% | ۵. ایران: ۱% | ۶. مغرب: ۱% |
| ۷. الجزایر: ۱% | ۸. مصر: ۱% | ۹. اسپانیا ندارد |
| ۱۰. روم ندارد | | |

از نظر روش شناسی، کتاب بولت از دو روش کلی پیروی می‌کند: بخش اول. عملیاتی است که به ترسیم نمودار ختم می‌شود و بخش دوم. تطبیق تحلیلی نمودار با تاریخ سیاسی، اجتماعی و مذهبی منطقه ای که نمودار به آن متعلق است. با اتمام بخش اول نوبت به بخش دوم نمودار که بر مبنای تاریخ سیاسی اجتماعی و مذهبی است می‌رسد.

نمودار فوق تا حدود زیادی با تاریخ سیاسی و مذهبی مناطق مذکور تطبیق دارد.



رشد درصد اشارات به عراق در عهد خلفای عباسی (۱۳۲-۶۲۳ هـ. ق)، در دوره سلسله‌های مستقل ایرانی به ایران (۲۰۵-۶۱۶ هـ. ق)، دوره سلسله رسولیان یمن و پیدایش شریف‌های مکه به عربستان (۶۵۰-۹۷۵ هـ. ق)، دوره سلسله ابویان و مالیک به مصر و سوریه (۵۶۴-۹۲۲ هـ. ق)، تشکیل امپراتوری عثمانی به آسیای صغیر (۶۸۰-۹۷۵ هـ. ق)، دوره موحدون به اسپانیا (۱۳۸-۵۳۶ هـ. ق) و کاهش شدید درصد اشارات به ایران و عراق در حملات مغول و تیمور و عربستان در عهد خلافت عباسی و مصر با قدرت یابی عثمانی‌ها و اسپانیا با پایان حکومت موحدون بر این کشور تطبیق دارد.

البته توجه درصد پایین اشارات به سوریه در طول دوره فاطمیان و یا سوریه در خلال دوره ۵۰ ساله اول که مرکز خلافت امویان بوده، بر اساس استدلال فوق دشوار است. در واقع به نظر می‌رسد نمودار، بیشتر منعکس‌کننده فراز و نشیب‌های اهمیت مذهبی تسنن است تا قدرت سیاسی که رابطه غیر قابل انکاری با قدرت سیاسی دارد. نتیجه آن که شهرت مذهبی و اهمیت تاریخی مستقیماً به درصد مسلمانان در درون جمعیت یک منطقه مربوط است و طبیعتاً هر چه جمعیت منطقه‌ای بیشتر باشد افراد برجسته و قدرت سیاسی آن بیشتر است. از این رو، نمودار شماره یک می‌تواند نشان‌دهنده سیر کلی گروش به اسلام در مناطق اسلامی و سرعت گروش باشد. از این نظر ایران و عراق از اولیتی غیر قابل انکار برخوردارند.

منحنی گروش به اسلام در ایران

نمودار شماره یک در واقع نقطه آغاز مطالعه در موضوع گروش به اسلام است و اولویت‌های تحقیقی ما را مشخص می‌کند. بولت ایران را با اهمیت‌ترین منطقه از دیدگاه گروش می‌داند و هم چون سابق، تحقیق در موضوع گروش به اسلام در ایران را در دو بخش متمرکز می‌کند: بخش اول، عملیاتی که منتهی به رسم نمودار گروش در ایران می‌گردد. این بخش از مراحل ذیل تشکیل شده است:

۱. مبنای تحقیق تراجم تاریخ نیشابور ابو عبدالله محمد الحکیم النیشابوری و ابوالحسن عبدالغافر الفارسی و ذکر اخبار اصبهان می‌باشد. بولت ۴۲۹۹ شرح احوال نیشابوری و ۱۶۳۵ اصبهانی را از این کتب احصاء می‌کند.

۲. در وهله بعدی تراجمی که به یک نام فارسی ختم می‌شوند تفکیک می‌گردند. با این فرض که نام فارسی آغازگر توالی اسامی، نام نخستین عضو مسلمان خاندان است (البته فرضی منطقی و

محتمل است) که حاصل ۴۶۹ شرح احوال می باشد. برای مثال: محمد بن احمد بن عبدالوهاب بن داود بن بهرام (نخستین عضو مسلمان در این جا بهرام است).

۳. تدوین یک دوره مسلسل برای ۴۶۹ شرح احوال که:

الف. براساس تاریخ های وفیات، چندین دوره متناوب تشکیل گردد.

ب. با کاستن رقم هفتاد به عنوان عمر متوسط از تاریخ وفات تاریخ تولد شخص حاصل شود

و با رقم ۳۴ به عنوان عمر متوسط یک نسل، تاریخ تولد پدر وی نیز به دست آید.

نتیجه این عمل تفریق، آن است که برای هر نسل در هر نسب نامه یک دوره مسلسل فرضی

تدوین می گردد که ما را تا نسل گرونده به اسلام هدایت می کند.

جدول شماره ۱: دوره های مسلسل شرح احوال نیشابور و اصفهان *

هـ	س	ف	ا	د	ت	ب	آ
تاریخ تولد نسل هفتم	تاریخ تولد نسل ششم	تاریخ تولد نسل پنجم	تاریخ تولد نسل چهارم	تاریخ تولد شخص مذکور در شرح احوال	تاریخ تولد پدر شخص مذکور در شرح احوال	تاریخ تولد شخص مذکور در شرح احوال	تاریخ وفات شخص مذکور در شرح احوال
—	—	—	—	—	—	پیش از اسلام	۷۵-؟
—	—	—	—	—	پیش از اسلام	۵-۴۵	۷۵-۱۱۵
—	—	—	—	پیش از اسلام	۶-۹۶	۴۵-۱۳۵	۱۱۵-۲۵۵
—	پیش از اسلام	۶۴-۶۶(-)	۲۸-۹۸	۶۲-۱۳۲	۹۶-۱۶۶	۱۳۵-۲۵۵	۲۵۵-۲۷۵
۴۵-۶۱(-)	۳۵-۴۴	۶۴-۱۵۸	۹۸-۱۴۲	۱۳۲-۱۷۶	۱۶۶-۲۱۵	۲۵۵-۲۴۴	۲۷۵-۳۱۴
۶۱-۱۱۴	۹۵-۹۵	۷۴-۹۵	۱۶۳-۱۶۳	۱۷۶-۱۹۷	۲۱۵-۲۳۱	۲۴۴-۲۶۵	۳۱۴-۳۳۵
۱۱۴-۱۱۴	۹۵-۱۴۸	۱۲۹-۱۸۲	۱۶۳-۲۱۶	۱۹۷-۲۵۵	۲۳۱-۲۸۴	۲۶۵-۳۱۸	۳۳۵-۳۸۸
۱۵۱-۱۵۱	۱۶۵-۱۸۵	۱۹۹-۲۱۹	۲۳۳-۲۵۳	۲۶۷-۲۸۷	۳۵۱-۳۲۱	۳۳۵-۳۵۵	۳۸۸-۴۰۵
۱۸۶-۱۸۶	۱۸۵-۲۲۵	۲۱۹-۲۵۴	۲۵۳-۲۸۸	۲۸۷-۳۲۲	۳۲۱-۳۵۶	۳۵۵-۳۹۵	۴۰۵-۴۶۵
۲۵۱-۲۵۱	۲۲۵-۲۸۵	۳۱۹-۳۵۴	۳۵۳-۳۵۳	۳۲۲-۳۸۷	۳۵۶-۴۲۱	۳۹۵-۴۵۵	۴۶۵-۵۲۵
—	—	—	—	پیش از اسلام	۲۱-۷۵	۵۵-۱۵۴	۱۲۵-۱۷۴
—	پیش از اسلام	—	۳-۵۷	۳۷-۹۱	۷۱-۱۲۵	۱۵۵-۱۵۹	۱۷۵-۲۲۹
پیش از اسلام	۱۱۵-۴۴(-)	۲۴-۷۸	۳۸-۱۱۲	۹۲-۱۴۶	۱۲۶-۱۸۵	۱۶۵-۲۱۴	۲۳۵-۲۸۴
۶۱-۶۵	۴۵-۹۹	۷۹-۱۳۳	۱۱۳-۱۶۷	۱۴۷-۲۵۱	۱۸۱-۲۳۵	۲۱۵-۲۶۹	۲۸۵-۳۳۹
۶۶-۱۴۴	۱۵۵-۱۷۵	۱۳۴-۲۵۹	۱۶۸-۲۴۳	۲۵۴-۲۷۷	۲۳۶-۳۱۱	۲۷۵-۳۴۵	۳۴۵-۴۱۵

* ن یعنی نیشابور - اص یعنی اصفهان

بهرام داود عبدالوهاب احمد محمد

حروف الفبا هر کدام نشان دهنده یک نسل است. «ن» علامت نیشابور، «اص» علامت اصفهان

و « » جایگاه محمد بن عبدالوهاب بن داود بن بهرام در جدول است.

برای وضوح بیشتر جدول نسل گرونده یک نمونه از چهارصد و شصت و نه شرح احوال را بر

اساس جدول استخراج می نمایم:



محمد بن احمد بن عبد الوهاب بن داود بن بهرام متوفی ۳۵۵ هـ - ق

ف	ا	د	ث	ب	آ
تاریخ تولد	تاریخ تولد	تاریخ تولد پدر بزرگ	تاریخ تولد پدر	تاریخ تولد	تاریخ وفات
نسل پنجم	نسل چهارم	شخص مذکور	شخص مذکور	شخص مذکور	شخص مذکور
۱۳۸	۱۷۲	۲۱۶	۲۵۱	۲۸۵	۳۵۵
بهرام	داود	عبدالوهاب	احمد	محمد	

۴. در مرحله بعدی با افزودن رقم فرضی ۲۵، به عنوان سن گروهی نسل گرونده، تاریخ

گروه شخص به اسلام بدست می آید.

(سال گروه) بهرام

$$۱۶۳ = ۱۳۸ + ۲۵ \text{ هـ}.$$

۵. در مرحله نهایی، برای ایجاد ترتیبی منظم در اطلاعات، سال‌های هجری قمری به دوره‌های

۲۵ ساله تقسیم شده و تعداد نام‌های هر دوره در جدولی تنظیم می‌گردد. (جدول شماره ۲)



۱۵۰

سال چهارم - شماره ۱۲ و ۱۳

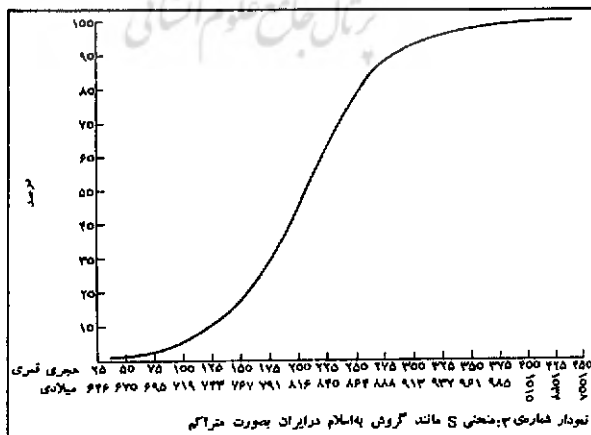
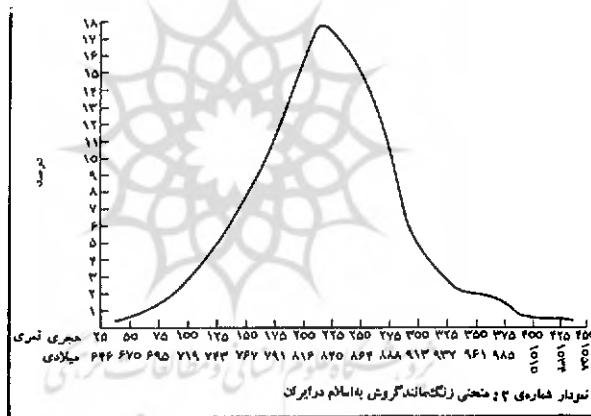
جدول شماره ۲: تعداد گروندگان در دوره‌های ۲۵ ساله

شماره دوره	تعداد هر گروه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	
۱	۲۵																										
۲	۲۵																										
۳	۲۵																										
۴	۲۵																										
۵	۲۵																										
۶	۲۵																										
۷	۲۵																										
۸	۲۵																										
۹	۲۵																										
۱۰	۲۵																										
۱۱	۲۵																										
۱۲	۲۵																										
۱۳	۲۵																										
۱۴	۲۵																										
۱۵	۲۵																										
۱۶	۲۵																										
۱۷	۲۵																										
۱۸	۲۵																										
۱۹	۲۵																										
۲۰	۲۵																										
۲۱	۲۵																										
۲۲	۲۵																										
۲۳	۲۵																										
۲۴	۲۵																										
۲۵	۲۵																										

در اطلاعات از جدول شماره ۱ اقتباس شده است.

برای روشن شدن این جدول جایگاه نمونه سابق «بهرام» را با توجه به سال گروه وی (۱۶۳ هـ. ق) مشخص می کنیم. بهرام در دوره «اصفهان ۵» نسل «ف» دوره ۱۷۵-۱۵۱ قرار دارد (در جدول با دایره مشخص شده است). اکنون تمامی اطلاعات برای رسم نمودار گروه به اسلام در ایران مهیا است و حاصل آن نمودار شماره ۲ می باشد.

بخش دوم. تشریح و تبیین آماری نمودار گروه بر اساس تاریخ اجتماعی، سیاسی و مذهبی ایران. نمودار گروه از نظر ریاضی تطبیقی کامل با یک نمودار مشهور در علوم اجتماعی یعنی نمودار S مانند منحنی لجستیک دارد. منحنی لجستیک کاربرد موفقی در تفسیر و تبیین اشاعه پدیده های نو تکنولوژیک و فرهنگی داشته است تا آن جا که بسیاری از جامعه شناسان آن را قانون طبیعی حاکم بر چنین مواردی می دانند. بر اساس این نمودار، روال اشاعه یک پدیده نو بدین گونه است که معمولاً در ابتدا چند نوگرا تکنیک جدید را می پذیرند. پس از آن، تکنیک جدید محبوبیت عام می یابد و بالاخره با اشباع بازار، تعداد پذیرندگان به طور پیوسته و یکنواخت کاهش می یابد.





بولت تطبیق دو نمودار گروه و لجستیک را تصادفی نمی‌داند. علی‌رغم پیچیده‌تر بودن پدیده‌گروه به دین نو، تشابهات و نزدیکی‌های فراوانی بین گروه و اشاعه‌نوآوری‌ها وجود دارد. استدلال‌های بولت در اثبات این قرابت به این دلیل است که وی قصد دارد، در تفسیر و تبیین نمودار گروه از تکنیک‌ها و قوانین اشاعه‌نوآوری‌ها استفاده کند و با ترکیبی از مفروضات استدلالی و رویدادهای تاریخی، نمودار و تکنیک به کار برده را تحلیل و اثبات کند.

وی در ابتدا نیازمند شناخت ماهیت اجتماعی اسلام است تا بتواند واکنش‌ها و فعل و انفعالات اجتماعی حاصل از گروه را بر اساس تکنیک اشاعه‌نوآوری‌ها تفسیر و تبیین کند.

بولت بر این باور است که اسلام یک دین اجتماعی و شهری نبوده است و در فرایند گروه ایرانیان زرتشتی و دیگر اقوام مسیحی و یهودی به اسلام است که ساختار اجتماعی ادیان دیگر توسط گروندگان به آن تحمیل می‌شود. برای اثبات این مدعا وی از دو مقدمه بهره می‌جوید:

الف. جوامع خاورمیانه (قبل از اسلام) هویت اجتماعی مبتنی بر مذهب داشته‌اند و ویژگی‌های این هویت اجتماعی، ساختار صوری قدرت متولیان دین، استقلال نسبی در امور حقوقی، آمیختگی زبان و مذهب و قبول رهبران مذهبی به عنوان سخنگویان جامعه دینی است.

ب. از آن‌جا که اسلام در ساختاری قبیله‌ای (نه شهری) تکوین یافته و دین نقشی فرعی در اجتماعات قبیله‌ای دارد، پس: اسلام دارای ویژگی‌های اجتماعی جوامع مذهبی خاورمیانه نیست. بولت برای تأیید این استدلال خود دلایل و اسنادی از تاریخ نیز عرضه می‌کند که البته بسیار سست و لغزاند (مثلاً پیدایش پادشاهی اموی).

با این مقدمه بولت به معرفی دستاوردهای تکنیک اشاعه‌نوآوری‌های تکنولوژی می‌پردازد. وی این دستاوردها را در سه نظریه دسته‌بندی می‌کند:

۱. پذیرش هر چیز نو تابع موجود بودن اطلاعات راجع به آن چیز نو است.
۲. تأخیر در موج‌های نوآوری زائیده بعد مناطق و آهستگی نفوذ اطلاعات در آن است.
۳. پذیرش یک پدیده‌نو بر پایه الگوی استاندارد توزیع صورت می‌گیرد، بدین گونه که منحنی نمودار را با خطوط عمودی که فاصله منظم آن‌ها برحسب ارقام آماری تعیین شده است، تقسیم می‌کنیم. مناطق محصور در زیر بخش‌های مجزای منحنی - که به انحراف‌های استاندارد معروف است - هر یک درصد معینی از کل منطقه محصور در زیر منحنی را تشکیل می‌دهند. بدین شکل پنج قسمت ایجاد می‌شود که متخصصان تکنیک اشاعه‌نوآوری‌ها برای توصیف این پنج قسمت که

نماینده پنج گروه اجتماعی می باشند اصطلاحاتی را بدین ترتیب بکار می برند:

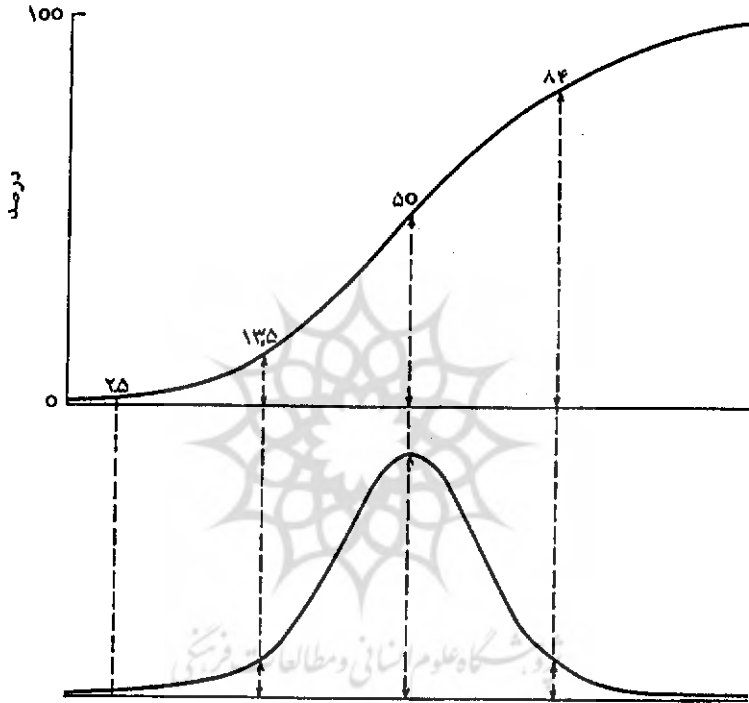
الف. ۲/۵٪ نوآوران

ب. ۱۳/۵٪ پذیرندگان متقدم

ج. ۳۴٪ اکثریت متقدم

د. ۳۴٪ اکثریت متاخر

ه. ۱۶٪ واپس ماندگان



واپس ماندگان اکثریت متاخر اکثریت متقدم پذیرندگان متقدم نوآوران
يك انحراف استاندارد

نمودار شماری ۶: مقایسه گروههای گرونده بر روی دو منحنی زنگ مانند و S مانند

مرحله بعدی کار بولت تطبیق این دستاوردها بر نمودار گروه ایرانیان و تحلیل و تبیین نمودار بر اساس این دستاوردها و مبتنی بر تاریخ اجتماعی، سیاسی و مذهبی ایران است. اگر حاصل این مقایسه (نمودار، دستاوردهای تکنیک اشاعه نوآوری ها و کلیات تاریخ اجتماعی، سیاسی و مذهبی ایران) تطبیق هر سه مورد بر یکدیگر باشد، بولت توانسته است ادعای خود را اثبات کند.



الف. تطبیق با تاریخ سیاسی

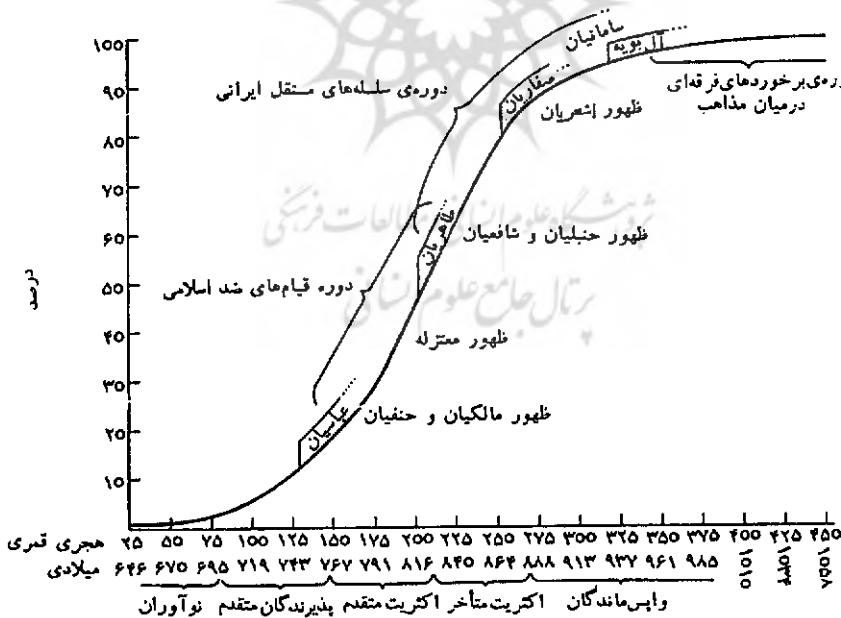
بولت ابتدا به مقایسه تطبیقی نمودار، تکنیک و کلیات تاریخ سیاسی ایران می پردازد. نتایج از این قرارند:

۱. تأیید نظریه محققان متأخر مبنی بر این که انقلاب عباسی یک جنبش عربی بوده بر این مبنا که تا آن زمان فقط ۸٪ جامعه ایران (ابتدای دوره پذیرندگان متقدم) به اسلام گرویده اند.
۲. تکمیل نیمی از فرایند گروش منطبق است با محو قیام های ضد اسلامی (سنباد، استادسیس، ابن مقفع و ...). این واقعیت با محاسبات آماری احتمالات هم خوانی دارد.
۳. وقوع انقلابات علیه اسلام در نقاط دور افتاده زمان های متأخر، تأیید نظریه تأخیر در موج های نوآوری است که باعث کشیدگی S در میانه منحنی می شود.
۴. پیدایش سلسله های مستقل ایرانی در نقطه میانی منحنی (آغاز دوره اکثریت متأخر). در این مرحله جامعه ایرانی تبدیل به جامعه اسلامی می شود و امکان انقلاب علیه اسلام منتفی می گردد. لذا استقلال سلسله ها فزونی می گیرد و نفوذ خلفا تقلیل می یابد؛ طبیعتاً هرچه روند گروش به تکامل خود نزدیک تر می شود بر خلاف سابق سنت های شاهنشاهی ایران باستان و فرهنگ و ادب فارسی رواج و گسترش بیشتری می یابد (سلسله های سامانیان، آل بویه). این روند تاریخی با حرکت منحنی گروش کاملاً منطبق است.



۱۵۴

سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴



نمودار شماره ۵: رابطه میان تحولات تاریخی و منحنی گروش به اسلام در ایران

ب. تطبیق با تاریخ اجتماعی

بولت در این بخش، گروه را بر مبنای الگوی استاندارد و توزیع بدین شرح تبیین می‌کند:
گروه اول گروندگان، نوآورانند (۲/۵٪) که شامل افرادی می‌شوند که پیش از سال ۷۵ هـ. ق. به اسلام گرویده‌اند.

ایشان را «موالی» نام نهادند که در وضعیتی فوق العاده تبعیض آمیز نسبت به اعراب به سر می‌بردند. طبیعی است که گروه دوم ایشان به پایین‌ترین سطوح جامعه (غالباً اسیران جنگی و بردگان) تعلق داشتند.

گروه دوم، پذیرندگان متقدم‌اند (۷۵-۱۴۵ هـ. ق). در خلال این دوره به تدریج داغ ننگی که کلمه موالی داشت از میان می‌رود و زمینه بسط اطلاعات و گروه بیشتر فراهم می‌گردد، اما هنوز گروندگان بایستی پذیرای محرومیت‌های اجتماعی‌ای که اعضای جامعه سابقشان بر آن‌ها تحمیل می‌کنند، باشند. از این رو مهاجرت به شهرهای عربی رویداد مهم تاریخی این دوره است. این گروه بیشتر شامل صنعت‌گران، بازرگانان، کارمندان کشوری و خادمان امور مذهبی‌اند. با ورود ایشان به شهرهای عربی، یک دوره گسترش شهرنشینی در جهان اسلام آغاز شد.

گروه سوم اکثریت متقدم و متاخر و واپس ماندگانند. بولت عامل اصلی تعیین فرآیند گروه در طول این دوره را قانون اشاعه اطلاعات می‌داند و بر این باور است که در این دوره اسلام به گونه‌ای فزاینده به عنوان یک جنبه همیشگی و برگشت‌ناپذیر زندگی ایرانی تلقی شد و نیز این فکر در همه جا رواج یافت که اسلام خیر مطلق است؛ همان‌طور که یک فرآیند یا وسیله تکنولوژیک برتر یک امتیاز مطلق محسوب می‌شود. حاصل این دوره گسترش شهرنشینی و اجتماعی و شهری شدن دین اسلام است که در پیدایش شهرهای بزرگ اسلامی و نهادهای اجتماعی مذهبی در این دوره تجلی می‌یابد.

ج. تطبیق با تاریخ مذهبی ایران

تحلیل این دوره نیز بر پایه الگوی استاندارد توزیع بدین قرار است:

۱. نوآوران و پذیرندگان متقدم، مذهب فقهی حنفی، مذهب کلامی معتزلی و زهد داشتند. تفسیر نخبه‌گرایانه از اسلام، تنگ‌نظری و سخت‌گیری نسبی در ملاک‌های مسلمان بودن، تجویز یک مسجد جامع در هر شهر که با روان‌شناسی گروندگان این دوره‌ها مطابقت دارد، از جمله ویژگی‌های عقیدتی آن است.





۲. اکثریت متقدم و متأخر، مذهب فقهی شافعی، مذهب کلامی اشعری و گرایش به تصوف داشتند. توده گرایی، سهل گیری دینی (تصوف)، تجویز چندین مسجد در یک شهر از ویژگی های ایشان است. تقسیم بندی فوق تا حدود زیادی بر تاریخ مذهبی ایران و نمودار گروه متطبق است. بولت بر این باور است که نوآوران و پذیرندگان متقدم به مرور از امتیازات تقدم خود در گروه سود جستند و به ساختار قدرت نیز راه یافتند و امتیازات خود را از طریق موروثی منتقل می کردند. گروه اکثریت متقدم و متأخر هنگامی که به اسلام گرویدند حاضر نبودند از موقعیت های اجتماعی خود به مرتبه ای نازل تر نزول کنند. بهترین راه حل این مشکل پیدایش مذهب جدید بود. این مذهب می توانست منافع گروندگان جدید را تامین کند و از تسلط گروندگان متقدم بر ایشان جلوگیری کند. ویژگی های متضاد این دو مذهب در راستای همین اهداف است. طبعاً این رقابت به درگیری های مذهبی در دوره گروه اکثریت متقدم و متأخر با دوره های قبل از خود انجامید که تاریخ مذهبی ایران بر آن صحنه می گذارد. بولت بر این باور است که پیروان این دو مذهب به تدریج از انگیزه ها، تعصبات و دشمنی های خود دور شدند و خود نمی دانستند که عامل تضادشان، تعلقشان به دو گروه متفاوت گروندگان است.

منحنی نام های اسلامی

برخلاف تراجم ایرانی که نام های ایرانی با نام های عربی در آن متفاوت است، دیگر مناطق اسلامی از چنین امتیازی برخوردار نیستند و تمام سلسله نسب صاحبان شرح احوال به عربی است. از این رو نمی توانیم نسل های گسرنده را تمیز دهیم. بولت برای برطرف کردن این نقیصه بزرگ دست به یک ابتکار جالب می زند. وی درصدد بر می آید نشان دهد که الگوی نامگذاری نجبا و علمای اسلام (که قطعاً با گروندگان فاصله زیادی دارند) از همان الگوی نامگذاری فرزندان گروندگان به اسلام پیروی می کند. اگر بتوان چنین فرضیه ای را ثابت کرد، می توان روند گروه به اسلام در مناطق دیگر را با این الگو ترسیم کرد.

منحنی های این فصل از دو زاویه اهمیت بسیار دارد:

۱. نمودارهای این فصل تصدیق کننده درستی نمودار گروه به اسلام در ایران اند.
۲. الگوی نامگذاری دیگر مناطق اسلامی، اجازه رسم نمودار گشروش (هم چون ایران) را برای آنان نمی دهد. بولت با روش تصویری و استدلال های منطقی ثابت می کند که می توان از منحنی نام های اسلامی برای ترسیم نمودار گروه دیگر مناطق بهره جست. برای این منظور بولت سه مرحله را طی می کند:
الف. رسم نمودار کثرت نام های مختلف در میان نجبای ایرانی (صاحبان شرح احوال).

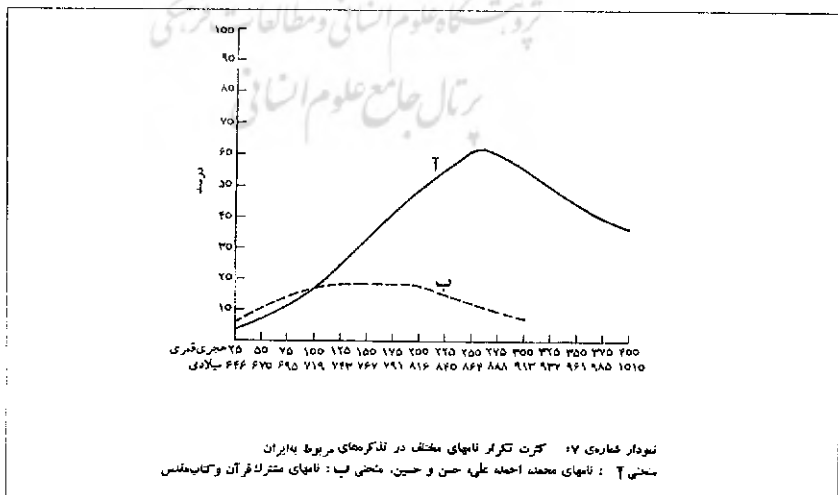
ب. رسم نمودار کثرت نام‌های مختلف در میان فرزندان گروندگان ایرانی (نمونه آماری سابق).
ج. تطبیق این دو نمودار با یکدیگر.

بولت چنین استدلال می‌کند که اگر ثابت شود الگوی نامگذاری فرزندان گروندگان با نمودار گروه به ایرانیان شباهت دارد و از یک تحلیل پیروی می‌کند، می‌توان ادعا کرد این الگو که حاصل اثر روانی فرایند گروه بر نامگذاری است می‌تواند به جای نمودار گروه بنشیند و اگر ثابت گردد که الگوی نامگذاری نجبای ایرانی با الگوی نامگذاری فرزندان گروندگان شباهت دارد، می‌توان رویه نامگذاری برگزیدگان را با قید احتیاط بازتاب کل جامعه گروندگان تلقی کرد. این الگو بسیار مهم است، چراکه این اجازه را به محققان می‌دهد که با احصا و آمارگیری از نجبا و علمای مناطق مختلف، حتی اگر نتوان نسل گرونده را شناسایی کرد، روند کلی گروه به اسلام در کل مناطق را ترسیم کرد.

عملیات ترسیم نمودارها

۱. نمودار کثرت نام‌های مختلف در میان نجبای ایرانی

برای ترسیم این نمودار از کتب تراجم العبر فی اخبار من غیر، تاریخ نیشابور و تاریخ اصبهان استفاده گردیده و از ۶۷۲۶ شرح حال موجود در این کتب صاحبان نام‌های محمد، احمد، علی، حسن و حسین استخراج شده‌اند. حاصل منحنی (آ) در نمودار ۷ می‌باشد.
برای رسم منحنی (ب) نمودار، از کتب تاریخ نیشابور و تاریخ اصبهان که شامل ۵۹۳۴ تراجم بودند، استفاده شد و نام‌های مشترک در قرآن و کتاب مقدس استخراج شد.

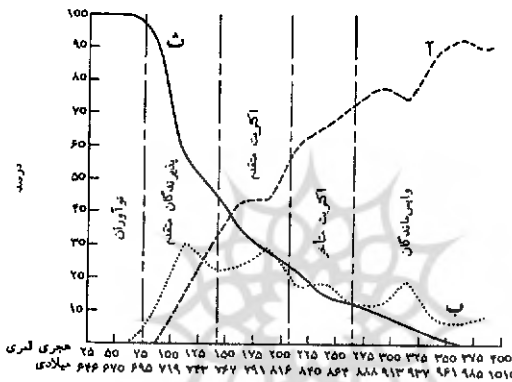


۲. نمودار کثرت نام های مختلف در میان فرزندان گروندگان

این نمودار بر اساس همان ۴۶۹ شرح احوال نمودار گروه ترسیم شده و سه منحنی این

نمودار نشان دهنده سه گروه اسامی می باشد:

- الف. پنج نام مشخصاً اسلامی: (محمد، احمد، علی، حسن، حسین).
- ب. نام های مشترك قرآن و کتاب مقدس.
- ج. نام های عربی پیش از اسلام.



نمودار شماری A: کثرت تکرار تلهای مختلف در میان فرزندان گروندگان
 منحنی B: نامهای محمد، احمد، علی، حسن و حسین. منحنی C: نامهای مشترك قرآن و کتاب مقدس
 منحنی C: نامهای عربی پیش از اسلام



این نمودار را می توانیم بر اساس منحنی گروه ترسیم کنیم: در مراحل اولیه گروه

(نوآوران) موالی به خاطر موقعیت خاصشان، نام های عربی پیش از اسلام داشتند.

پس از آن (پذیرندگان متقدم) نام هایی که تعلقشان به ادیان مختلف به سادگی قابل تمیز

نبود (برای کاهش فشار هم کیشان) به مدت کوتاهی رایج گشت، اما با استقرار اسلام و

استحکام آن در نتیجه گروه جمعی (اکثریت متقدم و متاخر) تبلیغ علنی گروه به اسلام و

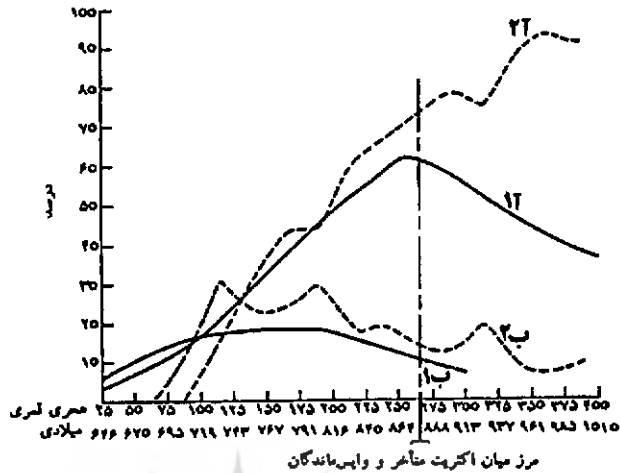
نهادن نام های اسلامی بر فرزندان گسترش یافت. این امر با صعود تند منحنی در قسمت میانی

نشان داده شده است. در نتیجه منحنی نام های اسلامی فرزندان گروندگان با نمودار گروه

ایرانیان تطبیق دارد.

به منظور ایجاد ارتباط میان رویه های نامگذاری در میان فرزندان گروندگان و نجای ایرانی

نمودار شماره ۷ با نمودار شماره ۸ مقایسه می شود.



نمودار شماری ۹: مقایسه میان دو نمودار شماری ۷ و ۸
 منحنی ۱۱: نایبهای اسلامی از نمودار شماری ۷
 منحنی ۲۱: نایبهای اسلامی از نمودار شماری ۸
 منحنی ۱: نایبهای مشترک قرآن و کتاب مقدس از نمودار شماری ۷
 منحنی ۲: نایبهای مشترک قرآن و کتاب مقدس از نمودار شماری ۸
 خط عمودی مرز میان دو گروه اکثریت متأخر و واپس ماندگان است



مقایسه نشان می دهد که روند کلی دو جفت منحنی، سوای چند استثنای مهم، تقریباً قابل مقایسه است. به خصوص منحنی ۱۱ و ۲۱ شباهت شگفت آوری تا مرز اکثریت متأخر و واپس ماندگان با یکدیگر دارند. این امر نشان می دهد رویه های نامگذاری در میان فرزندان گروندگان با رویه های نامگذاری برگزیدگان اجتماعی و مذهبی بی شباهت نیست.

بولت از نتایج نمودارها راضی است و در فصل های بعدی کتاب از الگوی نامگذاری نمودارهای ۷ و ۸ برای ترسیم نمودارهای گروه و تحلیل آن بهره می جوید.

نتیجه

هدف بولت در این کتاب مطالعه موضوع گروه به اسلام در قرون میانه (بخشی از تاریخ اجتماعی اسلام) است.

روش تحقیق وی نیز روشی آماری و تصویری و مبتنی بر تذکره های قرون وسطی است.



تجربه وی را می توان سبکی بدیع در شیوه تاریخ نگاری معاصر دانست .

نظریه اصلی بولت بر این پایه استوار است که میان گروهش به اسلام و تکامل جامعه اسلامی رابطه ای مستقیم و اساسی وجود دارد . بولت سعی می کند این رابطه پیچیده را از طریق تنظیم جدول زمانی فرضی گروهش به اسلام و ترسیم نمودار گروهش مناطق گوناگون اسلامی بر اساس آن و مقایسه آن جدول ها و نمودارها با روند تحولات تاریخی تشریح کرده و ویژگی و پیامدهای گروهش به اسلام را تبیین کند .

بر خلاف شیوه متداول تاریخ نگاری که اساس آن اسناد و فکت های تاریخی است ، در این شیوه فرضیات و تصورات منطقی دیالکتیک استدلال ها را هدایت می کند .

نوآوری دیگر بولت در این روش ، استفاده از تکنیک های آماری در علوم اجتماعی است . بولت از این شیوه در تبیین نمودارها به خوبی سود جسته است .

باری اعتراف بولت را مبنی بر این که می توان ایرادهای اساسی به فرضیه ها و تصورات و نتیجه گیری های وی وارد کرد می توان اعترافی صادقانه دانست که بجا و صحیح است ، اما اصرار و ایمان وی به درستی شیوه استدلال ها و روش آماری اش نیز - به عنوان روشی معتبر در مطالعات تاریخی - با مطالعه مدققانه اثر وی قابل تصدیق است .

بولت افق های تازه ای را فراروی پژوهش گران تاریخ اسلام می گشاید که با بهره گیری درست از آن می توان امید به خلق آثاری بکر و بدیع داشت . این انتظار بعیدی نیست و قدردانی از تلاش محققانه وی بها دادن به شیوه کار وی و به میدان آزمون و خطا بردن روش پژوهشی وی می باشد .